



■ **مه‌ار قدرت در مردمسالاری دینی**

اشاره: روزهای آخرین حکومت پهلوی مهم‌ترین سوالی که از سوی خبرنگاران از امام می‌شد آن بود که «یا شما برای حکومت بعد از پهلوی هم فکری کرده‌اید؟» و امام در پاسخ به همه آنها می‌گفتند: «شکل حکومت ما، جمهوری اسلامی است، جمهوری به معنای اینکه متکی بر آرای اکثریت است و اسلامی برای اینکه متکی به قانون اسلام است، و دیگر حکومت‌ها اینطور نیستند که تکیه بر قانون اسلام داشته باشند.» و این در حالی بود که امام خمینی(ره) در سال‌های درس و بحث نجف «ولایت فقیه» را تبیین کرده بود و همه می‌دانستند ساختاری که مد نظر انقلابیون است، ساختار حکومت ولایتی است. این برای همه سوال بود که حکومت مبتنی بر ولایت فقیه چگونه است که قدرت نیز در آن قابل مه‌ار است، لذا بحث بررسی مه‌ار قدرت در مردسالاری دینی به وجود آمد. آنچه در ادامه می‌آید شرحی از این مساله است.

■ **قوانین اساسی و مه‌ار قدرت**

در ایران، پس از پیروزی مشروطه‌خواهان بر استبداد چند صد ساله، در سال ۱۲۸۵ شمسی، کشور برای نخستین بار دارای قانون اساسی شد و در آن، «سلطنت مطلقه شاهان» به «سلطنت مشروط به قانون اساسی» تغییر یافت. پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی هم، از سوی رهبر فرزانه آن اعلام شد: «در اسلام حکومت، حکومت قانون است. هیچ جا در حکومت اسلامی نمی‌بینید که یک خودسری باشد، یک اعمال رأی باشد.»

بنابراین بلافاصله پس از استقرار جمهوری اسلامی، فرمان تدوین قانون اساسی صادر و در کمتر از یک سال پس از پیروزی انقلاب، قانون اساسی به رأی ملت گذاشته شد و با رأی قاطع آنان به تصویب رسید. بر این اساس، نخستین قدم در مه‌ار قدرت کارگزاران نظام اسلامی برداشته شد و آنان را در چارچوب قانون اساسی که «ضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی است و در خط گسستن از سیستم استبدادی، در سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند» مقید کرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای مه‌ار قدرت در نظام اسلامی، راه‌های مختلفی را پیش‌بینی کرده است که می‌توان آنها را در ۴ سطح بازشناخت.

۱- **راهکارهای ساختاری**

مقصود از راهکارهای ساختاری این است که براساس قانون اساسی، نظام حکومت، به گونه‌ای طراحی شود که حرکت در چارچوب آن به خودی خود، زمینه مه‌ار قدرت را فراهم کند و از فساد حکومت تا حد زیادی بکاهد:

الف- اصل جمهوری اسلامی

در حکومت‌های جمهوری که دستاورد ذی‌قیمت تجربه‌ی بشری است، «حاکمیت» متعلق به مردم است و تمام مناصب دولتی و اقتدار عمومی ناشی از اراده ملت و از طرف مردم با اتکا به آرای عمومی، به برخی افراد واگذار می‌شود. ذات چنین حکومتی ایجاب می‌کند قدرت در دست یک نفر متمرکز نبوده و از دوام فسادآور برخوردار نباشد، بلکه با رأی ملت در میان نخبگان جامعه در گردش باشد تا امکان سوءاستفاده از قدرت به حداقل کاهش یابد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل اول مقرر می‌دارد: «حکومت ایران، جمهوری اسلامی است» و در اصل ششم، آن را اینگونه تبیین می‌کند:

«در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات؛ انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای

گروه است اما قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با پذیرش یک قوه برتر، قدرت را متمرکز و قاعده تفکیک قوا را نقض کرده است. اما به نظر می‌رسد **اولا:** این قوه برتر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند همان «قوه تعدیل‌کننده» حقوقداناتی چون بن ژامن کنستان باشد که با رویکردی جدید به تفکیک قوا و کاستی‌های موجود در آن، مطرح شده است. این قوه بر خلاف قوای پیش‌گفته که در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده، جلوی یکدیگر را سد می‌کنند و همدیگر را متوقف می‌سازند، بی‌طرف و فوق سایر قواست و رئیس مملکت مظهر آن به شمار می‌رود و این قوه گاهی حکم آشتی‌دهنده دارد و گاهی رسالت حل و فصل‌کننده.

اصل پنجاهوهفتم قانون اساسی که قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران را «زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت» می‌داند و بند هفتم و هشتم اصل یکصدودهم که به صراحت «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه» و «حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام» را از وظایف و اختیارات رهبر شمرده‌اند، مؤید این برداشت است.

ثانیا: زیر نظر ولایت امر بودن قوا به این معنا نیست که رهبری خود بتواند مستقیما قانون وضع کند، به اجرا در آورد و میان متخاصمان قضاوت کند، بلکه در شرایط عادی هر یک از قوا در حیظه وظایف و اختیارات خود بنا به تصریح همین اصل «طبق اصول آینده این قانون» عمل می‌کنند، مستقلند و قدرت بازدارندگی آنها نیز محفوظ است.

ثالثا: مطلقه بودن ولایت به معنای بی‌ضابطه بودن آن نیست بلکه تنها در مواردی که معضل برای نظام پیش آید و تشکیلات، کشش حل آن رانداشته باشد رهبری با توجه به ولایت مطلقه، براساس بند هشتم اصل ۱۱۰ دخال‌ت کرده، از طریق مجمع تشخیص مصلحت، امور را با توجه به مصالح جامعه اسلامی، سامان می‌بخشد.

مراجعه به مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی نشان می‌دهد این معنا کاملا مورد توجه قانون‌گذار بوده است: «آن چیزی که گروه‌های کور این نظام را باز کرده، همین ولایت مطلقه امر بوده، آن جاهایی که کشش تشکیلات و سیستم آن قدر نبوده که بتواند کار را انجام بدهد، ما از ولایت مطلقه امر استفاده کرده‌ایم.»

رابعا: وضعیت سختی که برای رهبری در نظام اسلامی تعیین شده است(اصل ۱۰۹) تمهید امر این است که قدرت رهبری با صفات درونی مه‌ار شود. **خامسا:** با راهکارهایی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، امکان نظارت نمایندگان مردم (مجلس خبرگان، بوزیه خویش و وجود داره، ضمن اینکه راهکارهایی مانند مشورت، امر به معروف و نهی از منکر، آزادی مطبوعات و احزاب که در قانون در نظر گرفته شده و افکار عمومی زنده و پویا، در تعدیل قدرت بسیار مؤثر است.

بنابراین اگر چه تفکیک قوا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با معنای رایج آن در دنیا متفاوت است اما از یک سو با نظریه جدیدی در باب تفکیک قوا که وجود قوه تعدیل‌کننده‌ای را در رأس قوای سه‌گانه لازم می‌داند، هماهنگ است و از سوی دیگر تمهیدات مناسب برای تعدیل قدرت در قوه برتر نیز اندیشیده شده است.

دو- شوراها

بر اساس اصل یکصدم «برای پیشبرد برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم، با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند.» یا «جه منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورایی عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود.»

۲- **مه‌ار درونی قدرت**

در مکتب اسلام، کنترل نفس و مراقبت انسان از خویشتن، یک اصل بنیادی برای همه انسان‌ها و در تمام کارهاست اما در حکومت که زمینه طغیان، تباهی و فساد در آن بیشتر است ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَ كَنُودٌ﴾ دستور مراقبت هم در آن شدیدتر سه‌گانه اشتراف دارد، ثانیاً: خود، مستقیما بخش اصلی از اختیارات اجرایی را به عهده دارد که در اصل ۱۱۰ شمرده شده است، ثالثاً: براساس اصل ۵۷ دارای ولایت مطلقه است.

اشکالی که در اینجا جای طرح دارد این است که اصل تفکیک قوا تدبیری اساسی برای جلوگیری از تمرکز قدرت سیاسی در دست یک فرد یا یک

مه‌ار قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی

حکومت ولایتی تضمین نفی استبداد

- امیرعلی جهانداد

و با پشتوانه عدالت، از تعدی به حقوق دیگران دور می‌ماند.
ملکه تقوا بهترین تضمین برای جلوگیری از انحراف حکومت و طغیانگری احتمالی حاکم است، چرا که انسان فاقد چنین نظارتی می‌تواند از لحظه‌ای غفلت ناظران بیرونی استفاده کرده و به طغیانگری بپردازد یا از منافع قانونی بهره سوء ببرد. البته این امر بدین معنی نیست که در موضوع خطیر حکومتداری می‌توان به نظارت درونی اکتفا کرد، چرا که: **اولا:** صفت عدالت با مقام عصمت فرق دارد، هر چند ممکن است قدرت تقوا بالا باشد اما بر خلاف عصمت، احتمال زایل شدن این ملکه هر آن بویژه در امر مهم حکومت و قدرت وجود دارد.

ثانیا: ملکه عدالت و تقوا یک امر درونی و قابل تظاهر است و تشخیص رف‌ع آن آسان نیست، چنانکه قانون اساسی نیز این فرض را دور ندانسته است که کسی از آغاز، فاقد بعضی از شرایط رهبری بوده و از دید خبرگان رهبری پنهان مانده باشد. و قطعا ملکه عدالت می‌تواند یکی از آن موارد باشد.

ثالثا: انحراف حکومت یا اعمال قدرت برخلاف مصلحت، لزوماً از روی علم و آگاهی نیست بلکه ممکن است به علت عدم آگاهی یا از روی خطا و اشتباه و برنامه‌ریزی نادرست صورت گیرد. در این صورت اگر چه ملکه تقوا بصیرت‌بخش است اما مانع نیست و حتما به کنترل بیرونی نیازمند است.

رابعا: تقوا با گرایش‌های سیاسی، قرائت خاص از مسائل و برداشت‌های یکجمله‌نیز سازگار است. ممکن است کسی با برداشت خاص خود، امری را عین صواب و تکلیف شرعی خود ببندارد و از اهم قدرت نیز برای پیشبرد آن استفاده نماید اما این امر بواقع خلاف مصلحت بوده و به تدریج قدرت را در مسیر ناصحیح و در راستای منافع گروهی قرار دهد. چنین شخصی، به‌خاطر حسن فاعلی ماجور است. ولی کنترل بیرونی این تسوا را دارد که در چنین وضعیتی تا حدودی او را به هدایت و مصلحت رهنمون کند.

به هر حال عدالت و تقوا یا ضریب اطمینان بالاتری اصحاب قدرت را از انحراف بازمی‌دارد. یکی از امتیازات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این است که در دنیایی که فقط به نظارت بیرونی اکتفا می‌شود، علاوه بر نظارت بیرونی، بر مه‌ار درونی قدرت حاکمان نیز تأکید کرده است. قانون اساسی برای همه ارکان قدرت در جمهوری اسلامی برای مساله مه‌ار درونی قدرت نیز تمهید لازم را دیده است که به مراتب این قانون را فراتر از قوانین اساسی دیگر کشورها نموده است.

۳- **نظارت همگانی**

یکی از اساسی‌ترین پایه‌های استواری هر نظام سیاسی، بویژه حکومت اسلامی، مشارکت مردم در سرنوشت خویش و توجه به علایق و خواست آنان در اداره جامعه است.

مردم در نظام اجتماعی خویش باید به این باور برسند که حکومت از آنان و نظریات‌شان در تعیین سرنوشت جامعه متأثر است. در این صورت با تمام توان از حکومت خویش دفاع خواهند کرد. اساسا در نظام اسلامی، مردم حاکم بر سرنوشت خود و صاحب حق هستند و باید با نظرات دقیق بر ارکان حکومت، به نحو احسن حقوق خود را استیفا کنند و نگذارند کسانی در حکومت قدرتی را که به ودیعه از مردم دریافت کرده‌اند، به تباهی کشانده یا آن حق الهی را از آنان سلب کرده یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهند.

عامه مردم از آنجا که از تعلقات گروهی و زد و بندهای سیاسی دورند، در عرصه نظارت بر قدرت، آزادت‌تر و از تأثیرگذاری بیشتری برخوردارند، بر خلاف احزاب و گروه‌ها که گاهی در بند منافع گروهی خود گرفتار آمده و در برابر قدرت، ممانثات می‌کنند. از این‌رو قانون اساسی با تکیه بر آموزه‌های مترقی دین اسلام، راهکارهای مناسبی را برای نظارت عمومی مردم فراهم آورده است.

الف- نصیحت، امر به معروف و نهی از منکر
حضرت امام خمینی قدس سره به عنوان حاکم اسلامی می‌گویند: «اگر من هم پایم را کج گذاشتم شما مسؤولید اگر نکویید چیرا پایت را کج گذاشتی، باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟!.. امت باید نهی از منکر کند، امر به معروف کند.»

ب- احزاب و جمعیت‌ها

طبق اصل بیست‌وششم: «حزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به حد رهبری جامعه اسلامی، یکی از شرط‌های لازم و اساسی برای حاکم اسلامی است.

تقوا نظارتی از درون و دائمی است که دارنده آن، کل عالم را در محضر خدا می‌بیند و در خلوت و جلوت با هواهای نفسانی خود به مقابله برمی‌خیزد

یکی از حقوق مسلم مردم در حکومت‌های مردم‌سالار پذیرفته شده است. احزاب و گروه‌ها به خاطر انسجام درونی، داشتن اطلاعات کافی و تخصصی و تلاش برای کسب قدرت سیاسی و منوط بودن آن به آرای مردم، نقش بسزایی در تعدیل قدرت بازی می‌کنند اما در مقابل، حکومت که از ابزار گوناگون سرکوب‌بهرمندانست، آسیب‌پذیرتر است. نظارت مردمی، اگر چه از تأثیرپذیری از عوامل قدرت دورتر و اطمینان بخش‌تر است، حکومت‌ها می‌توانند با ایجاد رعب و وحشت و استفاده از ابزار سیاسی، مردم عادی را از صحنه خارج کنند اما تشکل‌های سازمان یافته چون در بافت قدرت حضور دارند یا احیانا از پشتیبانی بخشی از حاکمیت برخوردارند در مقابل تعديت قدرت و استیلاي دولت مقاوم‌تر ظاهر می‌شوند.

ج- نشریات و مطبوعات

مطبوعات که امروز به عنوان رکن چهارم آزادی دموکراسی مطرح هستند، در صورتی که در مسیر اصلی خود باشند، نقش منحصر به فردی را در تعدیل قدرت ایفا خواهند کرد. گام‌های اولیه انحراف در حاکمیت، معمولاً در خفا صورت می‌گیرد و باندهای قدرت سعی می‌کنند خارج از دید مردم در راستای منافع خود به زد و بند بپردازند یا ممکن است مدیران جامعه به علت درگیری مستقیم با امور جامعه، در بعضی تصمیمات خطا کنند یا از عواقب تصمیمات خود مطلع نباشند. بنابراین شفاف‌سازی در عرصه روابط قدرت، افشای تخلفات و اطلاع‌رسانی بوقوع، عرصه را بر متخلفان و سوءاستفاده‌کنندگان تنگ و از گسترش اشتباهات جلوگیری خواهد کرد و این مهم امروز برعهده مطبوعات است. لذا در جمهوری اسلامی «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند» البته امروز این مهم از حد مطبوعات فراتر رفته و از طریق صداوسیما و شبکه‌های اطلاع‌رسانی به صورت مؤثر پیگیری می‌شود و در شفاف‌سازی روابط قدرت بسیار اثربخش بوده است. در جمهوری اسلامی ایران نیز «در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار، با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین شود.» اما از آنجا که صداوسیما در ایران فقط از سوی حکومت مدیریت شده و تأسیس شبکه‌های خصوصی مجاز نیست، در نقد قدرت از کارکرد ضعیف‌تری برخوردار است.

د- اجتماعات مردمی

یکی از راه‌های مؤثر اعتراض، احقاق حق و جلوگیری از تصمیمات نابجای حکومت، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌های مردمی است که در ایران «بدون حمل سلاح به شرط آنکه محل مبانی اسلام نباشد، آزاد است». تشکیل اجتماعات اعتراضی، کم‌هزینه‌ترین ابزار برای طبقات زیرین اجتماع یا گروه‌های اقلیت است که می‌توانند در سطح تصمیم‌سازی جامعه مؤثر افتد. تجربه ثابت کرده است احزاب و نشریات صاحب اثر، به خاطر هزینه‌های مالی و سیاسی‌ای که به دنبال دارند، معمولاً به دست افراد و گروه‌های انفرادی و دارای مکتب اقتصادی-سیاسی اداره می‌شوند اما تشکیل اجتماعات، اگر چه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته بی‌هزینه نیست ولی با این حال، برای عامه مردم آسان‌ترین راه برای احقاق حق محسوب می‌شود. احزاب، مطبوعات و اجتماعات سیاسی به همان میزان که در اصلاح قدرت مفیدند به همان مقدار برای کانون‌های قدرت و صاحبان مکتب خطرناک هستند، به همین خاطر ممکن است کسانی در صند برآیند مطبوعات، گروه‌ها و افراد سرکش و مزاحم را به عناوین مختلف حتی با استفاده از ابزار قانون، محدود یا از صحنه خارج کنند. قانون اساسی برای پیشگیری از این امر «سیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی» را علنی و «با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری» اعلام کرده و از این طریق ضریب اطمینان در محاکمات سیاسی را بالا برده است.

۴- **کنترل نهادی**

اما علاوه بر ۳ شیوه‌ای که در بالا توضیح داده شد، قانون اساسی جمهوری اسلامی یک ساختار نهادی پیچیده و گسترده‌ای نیز برای کنترل و نظارت بر همه ارکان قدرت از رهبری تا سایر قوا تدبیر کرده است. نمایندگان مجلس خبرگان رهبری که با رأی و نظر مردم انتخاب می‌شوند، بر رهبری نظارت دارند و رهبری بر ۳ قوه و سایر دستگاه‌ها نظارت دارد. قوه مقننه بر قوه مجریه و قضائیه، قوه قضائیه بر دیگر قوا نظارت می‌کند و نهاده‌ا و ساختارهای کنترلی و نظارتی تعبیه شده دیگر نیز به صورت ساختارمند و نهادی به کنترل و نظارت کمک می‌کنند.

برگرفته از کتاب مه‌ار قدرت در مردسالاری دینی، نوشته دکتر پرویز امینی

| |
|---|
| پاورقی ۷ |
| <p>متن کتاب «تبه‌ری میسان»، نویسنده فرانسوی درباره حادثه ۱۱سپتامبر</p> <p>دروغ بزرگ</p> <p>■ هواپیمای خیالی پنتاگون</p> <p>کسانی که در بزرگراه نزدیک پنتاگون رانندگی می‌کردند صدایی شبیه سوت موتور جت هواپیما را از بالای سر خود شنیده بودند. صدایی شبیه صدای هواپیماهای جنگنده و نه صدای هواپیماهای مسافری. آنهایی که هواپیما را دیده بودند، گفتند، هواپیمای کوچکی بود؛ مثلا هواپیمایی با ظرفیت ۸ تا ۱۲ مسافر. قطعا هواپیمای بوئینگ ۷۵۷ نبود. مامور برج کنترل فرودگاه دالاس، دانیل اوبراین، وضع پرواز هواپیما روی صفحه رادار برج را برای شبکه ABC چین توصیف می‌کند: هواپیما با سرعتی حدود ۸۰۰ کیلومتر در ساعت به‌طرف منطقه حفاظت‌شده اطراف کاخ سفید در پرواز بود اما ناگهان با یک گردش خیلی سریع مسیر خود را به طرف پنتاگون تغییر داد. برای اوبراین و همکارانش کاملا روشن بود که چنین تغییر مسیر و گردش سریعی از عهده هواپیمای مسافری برنخواهد آمد و هواپیما قطعا از انواع جنگنده است.</p> <p>گفته می‌شود هواپیما با کمترین صدمه به نمای بنا در دل ساختمان فرو نشتسته و با عبور از هر لایه از ساختمان تودرتوی پنتاگون، حفره‌هایی به ترتیب بزرگ و بزرگ‌تر ایجاد کرده و سرانجام در دهانه‌ای گرد به قطر ۲/۵ متر از حرکت بازایستاده. هواپیما در برخورد با نخستین حلقه از دیوارهای پنتاگون آتش می‌گیرد، دامنه وسیعی از آتش از داخل به ساختمان بیرون سرایت می‌کند و آتش با چنان سرعتی گسترش می‌یابد که از تجهیزات ایمنی آتش‌نشانی ساختمان هم کاری ساخته نیست. این شکل آتش سوزی و حالت تخریب و هم‌چنین صورت وقوع حادثه فقط می‌تواند از عهده آخرین نسل از موشک‌های AGM بربیاید، موشکی با کلاهکی از مواد انفجاری هسته‌ای BLU و با هدایت سیستم‌های GPS، اگرچه ظاهر این سلاح شبیه هواپیماهای مسافری کوچک است اما مسلما هواپیمانیست. صدای این سلاح در حال پرواز شباهت زیادی به صدای هواپیماهای جنگنده دارد، و دقت هدف‌گیری این سلاح به کمک GPS به حدی است که می‌تواند از طریق پنجره وارد ساختمان شود. درهم شکستن قوی‌ترین لایه‌های بنون تمام زرها و سپرهای دفاعی از مشخصات برجسته این سلاح به شمار می‌آید. حرارت حاصل از برخورد این سلاح به هدف، از مرز ۲ هزار درجه سانتیگراد می‌گذرد و گسترش سریع آتش سوزی را باعث می‌شود.</p> <p>قبلا به ساختار دفاع ضدهوایی پیشرفته پنتاگون که همزمان منطقه کاخ سفید را هم پوشش می‌دهد اشاره کردیم؛ ساختاری که به قول مقامات ارتش آمریکا هنگام حمله به پنتاگون هیچ نوع عکس‌العمل دفاعی‌ای از خود نشان نداده بود. اما این نکته را نیز نباید فراموش کرد که راه‌آرهای دفاع هوایی منطقه پنتاگون به دریافت رمز عبور، فقط به هواپیمها و سلاح‌های دولتی اجازه ورود به حریم هوایی منطقه را می‌دهند. به عبارت دیگر هیچ هواپیمایی بدون ارسال کد رمز به پایگاه ضدهوایی نمی‌تواند از دیوار آتش ضدهوایی‌ها بگذرد. پس می‌توان گفت، این حمله احتمالا از سوی گروهی از مأموران ارتش آمریکا علیه گروهی دیگر از ارتشیان تدارک و اجرا شده است. و حالا آیا سرپوش گذاشتن بر حقایق پشت پرده حادثه پنتاگون به قصد پنهان نگه‌داشتن اختلافات داخلی، محدود به حادثه پنتاگون است یا اینکه بوش و دولت او حقایق و موارد دیگری در رابطه با حوادث ۱۱ سپتامبر را پنهان نگه داشتند؟</p> <p>■ موشک یا هواپیما؟</p> <p>بد نیست یک بار دیگر گزارش‌های خبری حمله به نیویورک را مرور کنیم. روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ساعت ۸:۵۰ دقیقه صبح، شبکه خبری CNN، با قطع برنامه‌های عادی خود، گزارش داد، یک هواپیمای مسافری با برج شمالی سازمان تجارت جهانی برخورد کرده است. از آنجا که هنوز فیلمی از محل حادثه گزارش نشده بود، تصویر ثابتی از برج منهدن در حالی که دود از آن بیرون می‌زد نشان داده شد. سال ۲۰۰۱ را شاید بتوان بدترین دوران تاریخ خطوط هوایی آمریکا دانست. قبل از ۱۱ سپتامبر شرکت‌های هواپیمایی ورکشکنگی را در چند قشری خود احساس می‌کردند. خدمات فنی هواپیمها در ارزان‌ترین و سطحی‌ترین صورت رفع و رجوع می‌شدند و برج‌های مراقبت فرودگاه‌ها خدمات مطمئنی ارائه نمی‌کردند و تراکم هوایی بیش از حدی که در اطراف فرودگاه و شهر نیویورک وجود داشت، باعث بی‌نظمی گسترده‌ای شده بود. لذا پس از نخستین گزارش CNN، آنچه ذهن مخاطب را به خود مشغول می‌کرد، تاسف از این شاهکار خطوط هواپیمایی آمریکا بود.</p> <p>ادامه دارد</p> |